

افزایش بحران و ضرورت اجماع ملی و بین المللی

عبدالله هروی

سرمقاله وضعیت امنیت و تهدیدهای آینده

محمد رضا هویدا
حد اقل انتظار مردم افغانستان از دولت وحدت ملی این است که به بخشی از تعهدات خود عمل کند و نگذارد کشور وارد مرحله سقوط شود.
چند ماه اخیر برای مردم افغانستان ماه ها سختی بوده است. بدترین موضوع این بوده که مردم به صورت تدریجی از حکومت وحدت ملی ناامید شده اند.

حکومت وحدت ملی نتوانسته است بعد از این مدت طولانی تا هنوز کابینه خود را تکمیل کند، در همین زمان بوده که گروه تروریستی داعش از یک زلمه های حضور خود بیرون شده و به صورت جدی به سربراز گیری آغاز کرده است، در همین زمان، دولت بارها کنترل خود را بر شماری از ولسوالی های مختلف از دست داده است، دولت وحدت ملی شاهد کشیده شدن جنگ از جنوب به شمال است، و حالا دولتمردان می گویند که در شش ماه اخیر وضعیت امنیتی سخت تر خواهد شد و مردم باید منتظر حوادث تلخ تری باشند.

حمله انتحاری بر پارلمان در روزهای گذشته، که همزمان با حمله طالبان بر کندز بود، اعتبار نهادهای امنیتی کشور را زیر سؤال برد. اما بعد از این حمله، بارها ولسوالی های مختلف دست به دست شده است. مردم افغانستان هنوز هم به نیروهای امنیتی اردو و پولیس و امنیت ملی باور دارند و به آنها اقتدار می کنند و معتقدند که این نیروها به شرط رهبری درست، می توانند با طالبان به دولتمردان باعث شده تا امید به آینده در افغانستان کاهش یابد. به هر صورت، دولت افغانستان باید بتواند از وضعیت حاضر بگذرد.

گذار از این وضعیت به اموری بستگی دارد. از اولی ترین امور، حل اختلافات میان تیم های حاکم است. اختلاف نظر و عمل میان دو تیم حاکم در دولت افغانستان در حال حاضر از سطحی ترین امور گرفته تا حساسترین مسائل کشور دیده می شود.

نمود این اختلافات به راحتی در مسایل مختلف کشور دیده می شود.

چشم تیز بین دشمنان مردم و کشور نقص ها و ضعف های کشور را می بیند و برای نابودی افغانستان نقشه می کشند. حملات وسیع طالبان در بهار امسال نمی تواند بدون برنامه باشد. برنامه ریزی حملات امسال مطمئناً، پیش از این طراحی شده باشند. طراحی حملاتی به این بزرگی و وسعت که جغرافیای جنگ را تغییر داده و دولت افغانستان را در وضعیت دفاعی خالص قرار داده است، به برنامه ریزی های طولانی مدت نیاز دارد.

ذوق زدگی دولت افغانستان در برنامه مسلح، ناتوانی در تکمیل کابینه دولت وحدت ملی، اختلاف سلیقه ها و برنامه ها در داخل دولت که به بسته شدن برخی از پروژه های بازسازی و عدم اعتماد دولت های خارجی به دولت افغانستان نیز شده است، برای طراحی چنین حملات وسیعی، می تواند در نظر باشند.

البته نقش کشورهای متحد افغانستان در بروز چنین وضعیتی بی تاثیر نیست. خروج کشورهای متحد افغانستان از کشور بدون رسیدن به اهدافی که خود تعیین کرده بودند، دولت افغانستان را در وضعیت نامناسبی قرار داده است.

نصوه مدیریت کمک های اهدایی به افغانستان طوری بوده که افغانستان متکی به کمک های خارجی باشد.

حتما مدیریت امنیت و جنگ نیز به دست کشورهای متحد افغانستان بوده است.

دولت هایی که اکنون نقشه خروج از افغانستان را می خواهند نهایی کنند و افغانستان در حالی تنها بگذارند که در معرض جدی ترین تهدیدها است، برنامه ریزان نحوه مبارزه و جنگ با تروریسم در افغانستان بوده اند.

وضعیت فعلی، نمی باید برای کشورهای کمک کننده به افغانستان اجازه بدهد که افغانستان را تنها بگذارند، در غیر این صورت، اسکان تکرار تاریخ به راحتی وجود دارد. تکرار تاریخ معمولاً هر بار سخت تر از گذشته است. هم برای افغانستان و هم برای کشورهای کمک کننده به افغانستان انتظار این وضعیت سخت و دشوار خواهد بود.

در روزهای اخیر، اوضاع سیاسی و اقتصادی و امنیتی کشور در بدترین شرایط قرار گرفته است. در این میان مردم که سالهای سال رنج مصیبت و بدبختی را تاعمق وجود خود چشیده و تا آخرین توان بشری تحمل نموده اند، بار دیگر در پیرشانی و نگرانی فراپزیده قرار گرفته اند. درست پیش از یک دهه پیش، مردم ما با سقوط حاکمیت سیاه طالبان و پایان یافتن جنگ های خونین تنظیمی و استقرار نظام جدید سیاسی در کشور، آرزوهای تاریخی خود را در آستانه تحقق میدانستند و رویاهای شیرینی را در سر می پروراندند.

اما اینک پس از آنجا وجود حمایت های وسیع بین المللی که صورت گرفت، ابرهای تیره و تاریجران و ناامنی همانند چتر بزرگ اما هراس انگیز برزندی مردم ما سایه انداخته است: ادامه جنگ و خشونت، وقوع عملیات های انتحاری، سوزاندن مدارس و کتابخانه ها، تهدید و حناقتل دختران برای جلوگیری از تحصیل، مسدود ساختن مدارس به ویژه مدارس دخترانه، مخالفت و ایجاد موانع جنسی بر سر راه حضور و فعالیت زنان در جامعه، رخت بر بستن نظارت و اجرای قانون در ساختار اداری، غیبت عدالت و انصاف از نهادهای عدلی و قضایی، افزایش رشوه خوری و گسترش روابط غیرقانونی در ادارات، بی توجهی به روند بازسازی در کشور، عدم رونق اقتصادی و افزایش شدید فقر و بیکاری در جامعه، نادیده نگاشتن معیار شایسته سالاری در تقرر اشخاص، عدم برخورد قاطع با مجرمین و خاطیان از قانون، عدم موفقیت لازم در ایجاد یک اردو و پولیس ملی بر اساس برنامه تعیین شده، بی کفایتی حکومت ووزرا در انجام مسئولیت، و...

خلاصه کلام اینکه با سپری شدن بیش از یک دهه، هنوز افغانستان صاحب یک دولت باثبات و مقتدر نشده است. گذشته از تغییرات بسیار سطحی، هیچگونه تغییری در اساسی و اساسی در زندگی مردم رونما نگردیده است، بلکه در شرایط کنونی روند اوضاع سیر نزولی و یاس آوری را در

پیش دارد. علاوه بر موارد یاد شده، که حاکی از وجود بحران وعدم ثبات در کشوری است، متأسفانه نه تنها تدابیر برای مهار آن صورت نگرفته است بلکه بخاطر عدم احساس مسئولیت و اتخاذ سیاست هاوشیوه های مفاویر با منافع ملی ومصالح کشور به این بحران بیش از پیش دامن زده می شود.

تعبیر آور تر اینکه این عمل نه تنها از سوی طالبان و گروه های نوظهور تروریستی هم چون داعش و تروریست های خارجی ومخالفین امنیت وثبات در کشور دامن زده می شود، بلکه از جانب کسانی ومقام هایی که بر اساس رای مردم برگزینی قدرت تکیه زده اند و باتمسک به قانون واداره در موقعیت برنامه ریزی، تصمیم گیری و اجرای کشور قرار گرفته اند.

آنانی که باید بیش از همه پیش از دیگران خود را ملزم به رعایت قانون و انجام مسئولیت نمایند، آنانی که بیش از پیش دغدغه و نگرانی تأمین امنیت واداره



شکنی، تمرکز دستور و کار شکنی در امور به یک امر رایج ومعمولی بدل شده است! بسیاری از نهادهای حکومتی به صورت سرپرست اداره می گردد! نزاع و کشمکش بر سر امتیاز های سیاسی و موقف های پول آور به قیمت ناامنی اجتماعی و امنیتی کشور ادامه دارد! نهادهای عدلی وقضای سادآوری های غیر عادلانه و غیر منصفانه، فقر و بیکاری بیرحمانه گسوی مردم را می قششارد! ناامنی وخشونت طعم زندگی را تلخ وتلخی مرگ را شیرین ساخته است! مدد تاسف که رهبران حکومت وحدت ملی بجای چاره جویی برای نابسامانی هایموجود به اختلافات بی بنیاد وشخصی خود دوام بخشیده اند. حال باید پرسید اکنون چه چیزی برای کشور و اداره باقی مانده است، که در کام بحران غرق نشده باشد؟

بنابراین در شرایطی که شبکه های

جنگ عادلانه در فلسفه سیاسی سنت آگوستین

سید صادق حقیقت / قسمت هفتم

شناخت و پیش بینی حرکات کسانی که پنهانی خطرات داخلی را شکل می دهند سخت و از بین بردنشان مشکل است)) (Augustine, ۱۹۴۷-۱۹۴۸, XLX).



اهمال و ابعان مسیحی است. و تعایلات و خواستهای سرکش آنها برای رسیدن به صلح زمینی در جامعه باید سرکوب شود. آگوستین در این باره نوشت: ((پدر خانواده هدف خود و اعضای خانواده اش را از صلح هر نوع نگاه به منبع لذت بخش و اطاعت بی چون و چرا میداند و اگر قیصر از این در خانواده رفتار شود او مصیبتی شده و فرزندان خود را تنبیه می کند و او به وسیله این خشم در خانه خود صلح را حفظ می کند تا به خواسته مناسب برسد او می داند که نمی توان صلح را حفظ کرد مگر اینکه همه اعضاء خانواده را از این طریق سرکوب کرد)) (Augustine, XIX, ۲۰۱۰) ادامه دارد

شهرودندان جامعه می داند و معتقد است این رفاه تنها در مشترک المنافع بدست می آید و صلح تنها در مشترک المنافع شکل می گیرد. آگوستین موافق است که مشترک المنافع برای محافظت از شهرودندان و اقتراض خود به جنگ برود و اقتراض در دو صورت ممکن است شکل بگیرد: الف: تجاوز خارجی که از طریق حمله نظامی صورت می گیرد. ب: تهاجم داخلی که با امتناع از زندگی همراه با عدالت از بین می رود.)) (Augustine, ۲۰۱۰, LXIX) وی بیان می کند که در نهایت مشترک

انسان است و دستمزدی در کار نیست باز هم به جنگ می رود و این در تضاد با بحث اشتباه هده ای است که آن را عاقلانه می داند و انسانی را خردمند می داند که به خاطر دستمزد به جنگ می رود. کسانی که به ماهیت جنگ می اندیشند عملی شیطانی انجام می دهند بگذارید اذهان دارم که این بدبختی و ظالمانه است... مسیحیان عدالت و ارزشهای دیگر را از خدا دریافت می کنند و این وظیفه مسیحی است که اطمینان حاصل کنند که دیگران قادر به تمرین فضیلت واقعی از طریق تغییر مذهب حتی از طریق اجبار می باشند)) (Augustine, ۲۰۱۰, XIX.vii) نظریه جنگ عادلانه با عدالت آغاز می شود و آگوستین آن را با مفهوم لطف الهی ترکیب میکند که هیچ انسانی نمی تواند بدون خدا خود دریافتی از عمل عادلانه داشته باشد، با این حال او یک تعریف منسجم از جنگ هرگز در نوشته هایش ارائه نکرد. آگوستین به رهبران سیاسی اجازه می دهد که با استفاده از مواضع خود دیگران را وادار به زندگی همراه با فضیلت کنند. او می نویسد: ((اگر شما توانایی دریافت فضیلت را دارید و اگر به لطف شما خادمین سکولاران از خواب غفلت بیدار می شوند و این بیداری منجر به پرستش خدا شود از زندگی مؤمنانه خود وشوق خود برای رفاه آنها استفاده کنید. آیا حکومت شما مبتنی بر عشق است یا ترس؟ اگر در کار خود برای امنیت بیشتر آنها تلاش می کنید دیگر شما هیچ وظیفه ای نسبت به تربیت آنها که رسیدن پرستش خداست ندارید و این عشق است و فضیلت واقعی از آن شمامست)) (Augustine, ۱۸۵۹, CLV) این عبارت برگرفته از نامه ای است که آگوستین در مشاوره به یک مقام مسیحی از او می خواهد از موقعیت سیاسی خود در وادار کردن دیگران به پذیرفتن مسیحیت استفاده کنند. وظیفه رهبر در مشترک المنافع دعوت کردن گناهکاران و ملحدان به مسیحیت است. آگوستین جامعه را به دو دسته افرادی که قدرت رهبری و متفاهد کردن مردم به مسیحیت را از طرف خداوند دارند و کسانی که نیاز به اجبار دارند تا به دین مسیحیت درآیند تقسیم می کند. Holton, ۱۹۵۲, p۱۴۵) آگوستین هدف مشترک المنافع را ترویج رفاه معنوی

بود به این معناست که افراد اکثراً از مرگ سریع، تبعید، آوارگی و دردهای دیگر ورودادهای نامحسوس و حوادث غیر مترقبه در حال قرارند. اما در مشترک المنافع به نظر می رسد مرگ برای از همه زبر سلطه خارج کردن افراد از همه مجازاتها به خودی خود به عنوان تنبیه برای یک دولت شکل می گیرد. مرگ طبیعی یک فرد در جمهور لازم است ولی مطلوب نیست اما هنگامی که دولت از بین می رود محو ونابودی آن به عنوان نابودی وسقوط تمام جهان است)) (Augustine, ۱۹۴۷-۱۹۴۸, XXVII) آگوستین نظریه جنگ عادلانه نسیرو را در این نوشته حفظ کرده است. اما با در نظر گرفتن اهمیت الهیات سیاسی خود در شهر خدا به این نظریه پرداخته است. جنگ در نگاه او به منظور مجازات طرف دیگر برای ارتکاب یک عمل پست و شیطنت آمیز علیه مشترک المنافع است که آگوستین این را ارائه عدالت به هر هلت می نامد. علاوه بر این مشترک المنافع می تواند جنگ را به منظور نجات از نابودی فساد آغاز کند و یا به منظور حفظ وضع موجود پسر پاکند، بنابراین حفظ مشترک المنافع ضروری است. مشترک المنافع نیاز به دادن دستمزد به جنگجویان برای زنده ماندن و تحقق اهداف آن به عنوان مشترک المنافع دارد. آگوستین در این باره توضیح می دهد:

((دست آورد صلح زمانی که جنگ به خاطر صلح صورت گرفته باشد نجات موقتی مردان از گناه می باشد. و بنابراین اگر برای انسان نجات مردمان با صلح بدست آید شیرین است، اما چقدر شیرین تر است رسیدن به صلح با خدا و نجات ابدی از گناه و به همین دلیل لازم و ضروریست کشتن دشمنی که بر علیه ما مبارزه می کند و این انتخاب بدی برای ما نمی باشد)) (Augustine, ۱۸۵۹, CLXXXIX) این گذر به طور خاص اشاره به اصطلاح جنگ عادلانه نیست اما آن را می توان دلیلی برای پرداختن به مفهوم جنگ عادلانه استیلا کرد. آگوستین در این باره بیان می کند: ((هدف از جنگ تأمین امنیت وصلح و ایجاد رفاه معنوی شهروندان است. ... می گویند: مرد دانا و عاقل به خاطر دستمزد جنگ عادلانه نیست که به جنگ می رود، اگر فرد بداند که او یک

۶-جنگ عادلانه آگوستین با ارائه جایگاه اخلاق، عدالت، قانون طبیعی و زمانی و مشترک المنافع نظریه جنگ عادلانه خود را شکل می دهد، در حالی که او را به عنوان پدر نظریه جنگ عادلانه شناخته اند، اما سابقه آن به پدران قبلی کلیسا سنت آمبروز و حتی افلاطون و ارسطو می رسد.)) (Syse henrik, ۲۰۱۰, p۱۱۲) ولی آگوستین تأثیر هییتی بر آن داشت. نظریه او دارای هدف معنویست اما این هدف در دوره کلاسیک انسانی بود. آگوستین در شهر خدا نوشت: ((من آگاه هستم که سیسرو در کتاب سوم خود در جمهور به خاطر اقتدار یا برای امنیت در گیر جنگ می شود. آنچه او در مورد امنیت می گوید و آنچه که او به معنی امنیت به کار می

کارتون روز



صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حقیقت الله زکی
کار یکتا نویس: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۷

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله پیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

افغانستان The Daily Afghanistan
روزنامه
Outlook AFGHANISTAN
The Leading Print Publication